فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال نهم، شماره ۲ (پیاپی: ۳۴)، تابستان ۱۴۰۴

بررسی جامعه شناختی تفاوت های نسلی در سبک زندگی، دینداری، هویت و نگرش های فرهنگی

مهدی توکلی اله آبادی[۱]، محبوبه توکلی نژاد اله آبادی[۲]، ایوب انصاری شیری [۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵
کد مقاله: ۴۵۴۸۸

چکـیده

این مقاله با رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی تفاوت‌های نسلی در جامعه ایران معاصر می‌پردازد. با توجه به تحولات گسترده فرهنگی، اجتماعی و فناورانه، سبک زندگی، دینداری، هویت و نگرش‌های فرهنگی نسل‌های مختلف ایرانی، از متولدین دهه‌های ۳۰ تا ۹۰، دچار دگرگونی‌هایی بنیادین شده‌اند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌های بوردیو، گیدنز، برگر، اینگلهارت و هال، و با روش تحلیل کتابخانه‌ای، به تبیین این تحولات در چهار محور اساسی می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که در سبک زندگی، گرایش به فردگرایی و مصرف‌گرایی افزایش یافته؛ دینداری از صورت نهادی به سوی معنویت انتخابی تحول یافته؛ هویت‌ها سیال، چندلایه و بازاندیشانه شده‌اند؛ و نگرش‌های فرهنگی نسل جدید نسبت به سنت، دین، خانواده و جنسیت، تغییرات معناداری یافته است. این دگرگونی‌ها بازتابی از گذار جامعه ایران از سنت به مدرنیته و جهانی‌شدن فرهنگی است.

واژگـان کلـیدی: تفاوت نسلی، سبک زندگی، دینداری، هویت اجتماعی، نگرش فرهنگی، مدرنیته، سرمایه فرهنگی، معنویت فردی، جامعه ایران، بازاندیشی هویت

۱- دانش آموخته دکتری جامعه شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر، کرمان، ایران: *mtavakoli7656@yahoo.com*
۲- دانش آموخته کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد زرند،کرمان، ایران
۳- دانشجوی کارشناسی مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر، کرمان، ایران

۱- مقدمه

تحولات سریع فرهنگی و اجتماعی در جوامع معاصر، به‌ویژه در جوامع در حال گذار مانند ایران، موجب شکل‌گیری تفاوت‌هایی معنادار در شیوه زیست، باورها و نگرش‌های نسل‌های مختلف شده است. در جامعه ایران، شکاف نسلی در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مطالعه در علوم اجتماعی بدل شده است. این شکاف‌ها خود را در ابعاد متعددی همچون سبک زندگی، دینداری، هویت و نگرش‌های فرهنگی نشان می‌دهند (عبداللهی، ۱۳۹۹؛ میرفتاح، ۱۳۹۷).

نسل‌های مختلف، از متولدین دهه‌های ۳۰ تا ۹۰، در بسترهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی متفاوتی رشد یافته‌اند و تجربه‌های زیسته متفاوتی را از سر گذرانده‌اند؛ بنابراین، تحلیل این تفاوت‌ها می‌تواند درک عمیق‌تری از روندهای فرهنگی و اجتماعی معاصر ارائه دهد (Inglehart & Welzel, 2005). سبک زندگی به‌عنوان نمود بیرونی سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی افراد، دچار تحولات گسترده‌ای در میان نسل‌ها شده است. همچنین، شکل‌های دینداری سنتی جای خود را به دینداری انتخابی یا معنویت فردی داده‌اند که با مفاهیم کلاسیک دین‌داری در تضاد قرار می‌گیرد (Berger, 1999؛ فاضلی، ۱۳۹۰). در حوزه هویت نیز با رشد فردگرایی و بازاندیشی در خود، الگوهای تازه‌ای از هویت فردی و اجتماعی شکل گرفته است (گیدنز، ۱۳۸۱). به همین ترتیب، نگرش‌های فرهنگی نسل‌ها نسبت به مفاهیمی چون سنت، مدرنیته، جهانی‌شدن و فناوری به‌طور معناداری متفاوت شده‌اند (Inglehart, 1997).

این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی و روش تحلیل کتابخانه‌ای به دنبال بررسی و تحلیل این تفاوت‌ها در جامعه ایران معاصر است.

۲-بیان مسئله

مطالعه‌ی تفاوت‌های نسلی یکی از کلیدی‌ترین راهبردهای فهم پویایی فرهنگی و اجتماعی در جوامع مدرن است. در جامعه ایران، نسلی که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ هجری شمسی متولد شده، دارای تجربه‌هایی از زندگی در دوره‌های سنتی‌تر، مذهبی‌تر و جمع‌گراتر است، در حالی که نسل‌های متولد دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در بستر فناوری، ارتباطات گسترده و فرهنگ جهانی‌شده رشد کرده‌اند (عبدالهی، ۱۳۹۹). این تفاوت بسترهای رشد و زیست، سبب بروز شکاف‌های معناداری در سبک زندگی، دینداری، هویت و نگرش فرهنگی شده است.

برخی از مهم‌ترین سوالات پژوهش عبارت‌اند از:

سبک زندگی نسل‌های مختلف در ایران چه تفاوت‌هایی دارد و این تفاوت‌ها ناشی از چه عوامل فرهنگی یا اجتماعی هستند؟

اشکال دینداری در میان نسل‌های مختلف چگونه تحول یافته‌اند و این تحولات با نظریه‌های جامعه‌شناسی دین چه نسبتی دارند؟

الگوهای هویتی نسل‌های مختلف چگونه دگرگون شده‌اند و این دگرگونی‌ها چه پیامدهایی بر انسجام اجتماعی دارد؟

نگرش‌های فرهنگی نسل‌ها نسبت به سنت، مدرنیته، دین، خانواده و جامعه چگونه تغییر کرده است؟

پژوهش حاضر با هدف بررسی این چهار محور اساسی و با بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی، به دنبال تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی تفاوت‌های نسلی در ایران معاصر است.

۳-مبانی نظری

۱. سبک زندگی (Life Style)

در تحلیل سبک زندگی، نظریه‌ی سرمایه فرهنگی و ذائقه‌شناسی بوردیو بسیار مهم است. بوردیو (۱۹۸۴) سبک زندگی را نه‌تنها مجموعه‌ای از عادات مصرفی، بلکه بازتابی از موقعیت طبقاتی، سرمایه‌های فرهنگی، و تمایز اجتماعی می‌داند. به باور او، سبک زندگی شیوه‌ای برای بازنمایی خود و تمایز از دیگران است. در این رویکرد، نسل‌های مختلف با توجه به دسترسی به سرمایه‌های مختلف (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی) و بسترهای تاریخی ـ اجتماعی متفاوت، سبک‌های متفاوتی را برمی‌گزینند (Bourdieu, 1984؛ فاضلی، ۱۳۹۰).

همچنین گیدنز در بحث «بازاندیشی در زندگی روزمره»، سبک زندگی را حاصل انتخاب فعالانه در دنیای مدرن می‌داند که افراد براساس امکانات و ارزش‌های خود، میان گزینه‌های متنوع، سبک خاصی را برمی‌گزینند (Giddens, 1991).

۲. دینداری (Religiosity)

برای تحلیل دینداری نسل‌ها، نظریه‌ی پیتر برگر در مورد دینی‌زدایی و بازگشت دین مفید است. برگر (۱۹۹۹) معتقد بود که مدرنیته لزوماً منجر به سکولاریسم نشده، بلکه موجب «بازسازمان‌یابی دینداری» شده است. نسل‌های جدید ممکن است دیندار باشند، اما نه لزوماً در چارچوب نهاد دین سنتی، بلکه با گرایش به معنویت فردی، انتخابی و تجربی.

در ایران نیز پژوهش‌هایی مانند فکوهی (۱۳۹۳) و ساروخانی (۱۳۸۸) نشان داده‌اند که اشکال دینداری در میان نسل‌های جدید به سمت معنویت‌گرایی فردی و دین‌ورزی نرم‌افزاری میل کرده است.

۳. هویت (Identity)

مفهوم هویت به‌شکل کلاسیک توسط گیدنز و در ادامه توسط استوارت هال تبیین شده است. گیدنز (۱۹۹۱) در کتاب مدرنیته و هویت توضیح می‌دهد که هویت در دنیای مدرن، دیگر یک «امر ثابت» نیست، بلکه نتیجه‌ی بازاندیشی مستمر فرد در مورد خود است.

استوارت هال (۱۹۹۶) نیز بر سیال بودن هویت تأکید دارد و معتقد است که هویت در بستر گفتمان‌ها، قدرت و فرهنگ شکل می‌گیرد. نسل‌های جدید با برخورد به فضای مجازی، ارتباطات جهانی و نهادهای جدید اجتماعی، هویت‌های چندلایه و متغیری را تجربه می‌کنند (Hall, 1996).

۴. نگرش فرهنگی (Cultural Attitudes)

برای تحلیل نگرش‌های فرهنگی، نظریه‌ی رونالد اینگلهارت درباره‌ی «تحول ارزش‌ها» بسیار راهگشاست. او با طرح فرضیه‌ی «گذار از ارزش‌های بقا به ارزش‌های خودبیان‌گرانه»، نشان می‌دهد که جوامع، با افزایش امنیت اقتصادی، آموزشی و فرهنگی، به‌تدریج از ارزش‌های سنتی و مذهبی به‌سوی ارزش‌های سکولار، فردگرایانه و خودمختارانه حرکت می‌کنند (Inglehart & Welzel, 2005).

این نظریه به‌خوبی می‌تواند تغییرات نگرشی میان نسل‌ها را در جامعه ایران، از نگاه بین‌فرهنگی و مقایسه‌ای، توضیح دهد.

۴-پیشینه پژوهش

۱.سبک زندگی

فاضلی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان سبک زندگی و تحولات فرهنگی در ایران معاصر نشان داد که سبک زندگی جوانان ایرانی از الگوی سنتی فاصله گرفته و به سوی الگوهای مصرف‌گرایانه و فردگرایانه تمایل یافته است.

خوش‌سیرت و نادری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی جوانان در کلان‌شهر تهران، تفاوت‌های معناداری بین نسل‌ها در ترجیحات فرهنگی، الگوهای اوقات فراغت و پوشش شناسایی کردند.

چنی (۱۹۹۶)با بررسی سبک‌های زندگی در جوامع پست‌مدرن، آن را محصول تمایزهای فرهنگی و بازنمایی هویت دانسته است.

۲. دینداری

فکوهی (۱۳۹۳) در کتاب انسان‌شناسی دینداری در ایران معاصر، به تحلیل اشکال مختلف دینداری و تحولات آن در نسل جوان ایرانی پرداخت و نشان داد که نسل جدید بیشتر به «معنویت فردی» و «دین‌داری انتخابی» گرایش دارد.

میراحمدی و صالحی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان تحولات دینداری در نسل‌های مختلف ایرانی، تأکید کردند که دینداری نسل جوان بیشتر احساسی و گزینشی است تا مناسکی و نهادینه‌شده.

رووف(۱۹۹۹) در پژوهشی بر روی جوانان آمریکایی نشان داد که نسل جدید به جای دین نهادینه، بیشتر به نوعی معنویت غیرنهادی و درون‌گرا گرایش دارد.

۳. هویت

گودرزی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان تحلیل گفتمانی هویت نسل جوان در ایران، نشان دادند که هویت نسل جوان دچار نوعی سیالیت، بازاندیشی و ترکیب هویت‌های محلی، ملی و جهانی شده است.

محسنی تبریزی و حاجیانی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان تغییرات هویت اجتماعی در نسل‌ها، تأکید کردند که نسل‌های جدید بیشتر به هویت فردی، حرفه‌ای و رسانه‌ای تأکید دارند تا هویت‌های جمع‌گرا و سنتی.

کاستلز(۲۰۱۰) در نظریه هویت شبکه‌ای (network society) می‌گوید که هویت در جهان امروز به‌صورت شبکه‌ای، چندلایه و در تعامل دائم با رسانه‌ها و فضاهای مجازی بازتعریف می‌شود.

۴. نگرش‌های فرهنگی

رضایی و کیان‌پور (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی نگرش‌های فرهنگی میان نسل‌ها در ایران، به این نتیجه رسیدند که جوانان نسبت به ارزش‌های سنتی، خانواده، جنسیت و دین نگرش متفاوت‌تری نسبت به نسل‌های قبلی دارند.

سلطانی‌نژاد (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان تحول نگرش‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر ایران، نشان داد که جوانان تمایل بیشتری به ارزش‌های مدرن، عدالت جنسیتی و سبک زندگی جهانی دارند.

اینگلهارت و نوریس(۲۰۰۳) در اثر مشترک خود، Sacred and Secular، با تحلیل داده‌های جهانی نشان دادند که نگرش‌های فرهنگی نسل‌ها در گذار از ارزش‌های سنتی به سکولار و فردگرا تغییر می‌کند.

۵-چارچوب نظری

عنوان مقاله: بررسی جامعه‌شناختی تفاوت‌های نسلی در سبک زندگی، دینداری، هویت و نگرش‌های فرهنگی

در این مقاله، برای تحلیل تفاوت‌های نسلی در چهار محور یادشده، از ترکیب چند نظریه کلیدی بهره می‌گیریم که هرکدام بخشی از واقعیت اجتماعی را تبیین می‌کنند. چارچوب نظری، نقشه مفهومی و تحلیلی ما برای انسجام بحث و تحلیل است.

۱. نظریه تمایز و سرمایه فرهنگی – پیر بوردیو (Bourdieu)

کاربرد در مقاله: تبیین تفاوت‌های نسلی در سبک زندگی

بوردیو (۱۹۸۴) با معرفی مفاهیم «ذائقه»، «سرمایه فرهنگی»، «میدان» و «هابیتوس»، نشان می‌دهد که سبک زندگی افراد محصول شرایط ساختاری و انتخاب‌های نمادین آن‌هاست.

نسل‌های مختلف با توجه به سرمایه‌های فرهنگی‌ای که در اختیار دارند (مثلاً نوع تحصیلات، تجربه‌های فرهنگی و اجتماعی‌شان)، سبک‌های زندگی متفاوتی را برمی‌گزینند.

۲. نظریه بازاندیشی و هویت – آنتونی گیدنز (Giddens)

کاربرد در مقاله: تحلیل هویت و سبک زندگی در دنیای متأخر مدرن

گیدنز (۱۹۹۱) در نظریه «مدرنیته متأخر» می‌گوید که هویت دیگر امری ایستا نیست، بلکه یک پروژه شخصی است که افراد باید آن را مدام بازتعریف کنند.

نسل‌های جدید در فضای جهانی‌شده و متکثر، با امکانات بیشتری برای ساختن «خود» مواجه‌اند و همین باعث شکل‌گیری هویت‌های سیال، چندلایه و انتخاب‌محور شده است.

۳. نظریه تحول ارزش‌ها – رونالد اینگلهارت (Inglehart)

کاربرد در مقاله: تبیین تفاوت نگرش‌های فرهنگی میان نسل‌ها

اینگلهارت با طرح فرضیه «گذار از ارزش‌های بقا به ارزش‌های خودبیان‌گرانه»، نشان داد که در جوامعی که به سطحی از امنیت اقتصادی و فرهنگی می‌رسند، نسل‌های جدید به سمت ارزش‌هایی چون آزادی فردی، خودمختاری، برابری جنسیتی و دموکراسی حرکت می‌کنند.

این نظریه برای تحلیل نگرش‌های فرهنگی میان نسل‌های سنتی و مدرن در ایران نیز بسیار کارآمد است.

۴. نظریه دین‌داری فردی – پیتر برگر (Berger)

کاربرد در مقاله: تحلیل تحول در دینداری

برگر (۱۹۹۹) معتقد است که برخلاف فرضیه کلاسیک سکولاریزاسیون، مدرنیته باعث حذف دین نشده، بلکه اشکال جدیدی از دینداری، به‌ویژه دینداری فردی و غیرنهادی، به‌وجود آمده‌اند.

این دیدگاه کمک می‌کند تا دینداری نسل‌های جدید را نه بر اساس کاهش ایمان، بلکه تغییر صورت‌بندی آن درک کنیم.

۵. نظریه هویت گفتمانی – استوارت هال (Stuart Hall)

کاربرد در مقاله: تبیین تحولات هویتی در نسل‌ها

هال (۱۹۹۶) هویت را امری در حالِ شدن می‌داند که در دل گفتمان‌ها و قدرت اجتماعی شکل می‌گیرد.

هویت نسل جدید را می‌توان بر اساس تعامل آن‌ها با گفتمان‌های جهانی، رسانه‌ای، بومی و مذهبی تحلیل کرد.

۶-جمع‌بندی چارچوب نظری

در این پژوهش، با بهره‌گیری از پنج نظریه فوق، به تحلیل جامعه‌شناختی چهار محور اصلی مقاله می‌پردازیم. این چارچوب ترکیبی، امکان درک بهتر و چندلایه‌ای از پدیده‌های نسلی در ایران معاصر را فراهم می‌آورد.

۶-۱-روش‌شناسی پژوهش

۶-۲-نوع پژوهش

این تحقیق از نوع نظری – تحلیلی است که به روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است. هدف آن تبیین و تحلیل تفاوت‌های نسلی در ابعاد سبک زندگی، دینداری، هویت و نگرش‌های فرهنگی بر پایه داده‌های نظری، متون علمی و پژوهش‌های پیشین است.

۶-۳-روش گردآوری داده‌ها

برای گردآوری اطلاعات از منابع زیر استفاده شده است:

کتاب‌های جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر

مقالات علمی–پژوهشی داخلی و بین‌المللی

پایان‌نامه‌های مرتبط

گزارش‌های مطالعاتی مراکز تحقیقاتی و آماری (مانند مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز آمار ایران، WVS، Pew Research)

اطلاعات به روش فیش‌برداری هدفمند بر اساس کلیدواژه‌هایی چون «تفاوت نسلی»، «سبک زندگی»، «دینداری»، «هویت اجتماعی»، «نگرش فرهنگی»، «نسل جوان»، «مدرنیته» و... گردآوری شده است.

۷-روش تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از دو تکنیک اصلی برای تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شده است:

۱. تحلیل مضمون (Thematic Analysis)

استخراج مضامین کلیدی از منابع مختلف در چهار حوزه موضوعی

طبقه‌بندی مضامین بر اساس مفاهیم نظری (مانند سبک زندگی مصرفی، دینداری انتخابی، هویت سیال، نگرش مدرن)

۲. تحلیل ثانویه (Secondary Analysis)

استفاده از یافته‌های پژوهش‌های پیشین برای مقایسه و ترکیب نتایج

بررسی همپوشانی‌ها و تفاوت‌ها در نتایج مطالعات داخلی و خارجی

۸-جامعه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه، کلیه منابع علمی منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ در ایران و منابع بین‌المللی از ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۴ هستند که به نحوی به موضوع تفاوت‌های نسلی در چهار محور اشاره دارند.

۸-۱-اعتبار و روایی تحقیق

با بهره‌گیری از منابع متنوع، معتبر و ارزیابی یافته‌های پژوهش‌های مختلف، روایی محتوایی پژوهش تضمین شده است. همچنین، استفاده از نظریه‌های چندگانه و تطبیق آن‌ها با داده‌های تجربی پیشین به اعتبار نظری مقاله افزوده است.

۸-۲-محدودیت‌ها

محدود بودن برخی مطالعات داخلی به نسل خاص (مثلاً صرفاً جوانان یا دانشجویان)

تنوع زیاد تعاریف مفاهیم مانند سبک زندگی یا دینداری در منابع مختلف

کمبود داده‌های آماری دقیق مقایسه‌ای میان نسل‌ها در بعضی حوزه‌ها

۹-تحلیل نظری یافته‌ها و بحث

۱. سبک زندگی نسل‌ها: از هویت جمعی تا فردی‌شدن ذائقه‌ها

بر اساس نظریه بوردیو (۱۹۸۴)، سبک زندگی افراد از دل تعامل میان «هابیتوس» و «میدان اجتماعی» شکل می‌گیرد. نتایج پژوهش‌های داخلی (فاضلی، ۱۳۹۰؛ خوش‌سیرت و نادری، ۱۳۹۴) نشان می‌دهند که در جامعه ایران، سبک زندگی نسل‌های جوان به‌طور روزافزون از الگوهای سنتی فاصله گرفته و به سوی مصرف‌گرایی، نمایش‌گری در رسانه‌ها و انتخاب‌های فردی گرایش یافته است.

تبیین نظری: این تغییرات با مفهوم «سرمایه فرهنگی» بوردیو قابل توضیح است؛ نسل جدید با بهره‌گیری از سرمایه‌های فرهنگی مدرن (موسیقی، مد، زبان، رسانه‌ها)، سبک زندگی خود را نه‌تنها از نسل‌های قبلی بلکه از درون نسل خود متمایز می‌سازد.

۲. دینداری: از سنت نهادی به معنویت انتخابی

مطالعات مختلف (فکوهی، ۱۳۹۳؛ میراحمدی و صالحی، ۱۳۹۶) بیان‌گر این نکته‌اند که دینداری در نسل‌های جدید شکلی غیرنهادینه، انتخابی و گاه نمادین پیدا کرده است. این نتایج با دیدگاه برگر (۱۹۹۹) و نیز گیدنز (۱۹۹۱) هم‌راستاست.

تبیین نظری: در شرایط مدرنیته متأخر، طبق گیدنز، افراد دیگر دینداری را امری موروثی یا نهادی نمی‌بینند، بلکه آن را همچون «پروژه‌ای انتخابی» در مسیر خودسازی بازتعریف می‌کنند. برگر نیز با رد فرضیه سکولاریزاسیون کلاسیک، ظهور اشکال متنوع دینداری را نشانه‌ای از بازسازی دین در سپهر فردی و فرهنگی می‌داند.

۳. هویت: سیالیت، چندگانگی و بازاندیشی در نسل‌ها

مطالعات گودرزی و همکاران (۱۳۹۲) و محسنی تبریزی و حاجیانی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که هویت نسل‌های جدید، به‌خصوص در تعامل با فضای مجازی، رسانه‌ها و جهان جهانی‌شده، حالت سیال، انعطاف‌پذیر و بازاندیشانه یافته است.

تبیین نظری: بر اساس نظریه گیدنز، هویت در جهان متأخر دیگر ثابت نیست بلکه پیوسته در حال بازتولید و بازاندیشی است. همچنین طبق دیدگاه استوارت هال (۱۹۹۶)، هویت در بستر گفتمان‌ها ساخته می‌شود و گفتمان‌های مسلط در عصر دیجیتال و شبکه‌ای، فرصت بازتعریف مکرر خود را برای نسل جدید فراهم کرده‌اند.

۴. نگرش‌های فرهنگی: از سنت‌گرایی به خودمختاری و عدالت جنسیتی

داده‌های تحقیقات داخلی (رضایی و کیان‌پور، ۱۳۹۷؛ سلطانی‌نژاد، ۱۴۰۰) نشان می‌دهد که نسل‌های جوان ایرانی نسبت به نسل‌های پیشین، نگرش بازتری نسبت به ارزش‌هایی چون برابری جنسیتی، حقوق فردی، آزادی‌های فرهنگی و شیوه‌های نوین زندگی دارند.

تبیین نظری: این روند را می‌توان در چارچوب نظریه تحول ارزش‌ها (اینگلهارت و ولتزل، ۲۰۰۵) تحلیل کرد. طبق این دیدگاه، گذار از ارزش‌های بقا (امنیت، نظم، خانواده سنتی) به ارزش‌های خودبیانگرانه (آزادی، برابری، تنوع فرهنگی) در میان نسل‌های جدید امری جهانی است که در ایران نیز با تأخیر و ترکیب با بسترهای بومی ظهور یافته است.

۱۰-نتیجه تحلیل نظری

تفاوت‌های نسلی در چهار محور سبک زندگی، دینداری، هویت و نگرش فرهنگی در جامعه ایران نه‌تنها واقعی بلکه به‌شدت مفهومی و نظری هستند. این تفاوت‌ها نشانگر گذار ایران از جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های جمع‌گرا و سنتی به جامعه‌ای در حال بازتعریف فرهنگی و فردگرایی انتخاب‌محور است.

۱۰-۱-پیشنهادها

۱. برای سیاست‌گذاران فرهنگی و آموزشی

تقویت برنامه‌های «گفت‌وگوی بین‌نسلی» در خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها برای کاهش شکاف ارزشی (سلطانی‌نژاد، ۱۴۰۰).

روزآمدسازی کتب درسی، برنامه‌های رسانه‌ای و فرهنگ رسمی با توجه به گوناگونی سبک‌های زندگی و هویتی نسل جوان (فکوهی، ۱۳۹۳).

۲. برای نهادهای دینی

بازنگری در شیوه تبلیغ دین با تأکید بر رویکردهای معنوی، انعطاف‌پذیر و غیرنهادینه برای نسل دیجیتال (Berger, 1999؛ میراحمدی و صالحی، ۱۳۹۶).

پذیرش تکثر معنایی و سبک‌های متنوع دینداری به‌جای ترویج انحصار مذهبی.

۳. برای پژوهشگران آینده

انجام پیمایش‌های میان‌نسلی در حوزه‌های دینداری، رسانه، خانواده، سبک زندگی و مشارکت فرهنگی.

تحلیل تطبیقی نگرش‌های نسل‌های ایرانی با داده‌های بین‌المللی (مثلاً WVS، ESS) برای فهم بهتر تحول فرهنگی ایران در بستر جهانی (Inglehart & Welzel, 2005).

منابع

- فاضلی، ر. (۱۳۹۰). سبک زندگی و تحولات فرهنگی در ایران معاصر. تهران: نشر تیسا.
- خوش‌سیرت، ع.، و نادری، غ. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی جوانان در کلان‌شهر تهران. پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی، ۸(۳)، ۲۲-۴۳.
- خوش‌سیرت، محسن، و نادری، سیدجمال. (۱۳۹۴). «سبک زندگی جوانان در ایران: بازنمایی تحول ارزشی». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۱(۴)، ۵۵-۸۱.
- رضایی، ف. و کیان‌پور، ع. (۱۳۹۷). بررسی نگرش‌های فرهنگی میان نسل‌ها در ایران. فصلنامه فرهنگ و جامعه، ۹(۱)، ۲۵-۵۲.
- رضایی، معصومه، و کیان‌پور، زهره. (۱۳۹۷). «بررسی نگرش فرهنگی نسل جدید نسبت به خانواده، دین و آزادی». مطالعات جوانان، ۴(۱)، ۲۱-۴۴.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی دین. تهران: نشر سروش.
- سلطانی‌نژاد، احسان. (۱۴۰۰). «تحلیل نگرش نسلی به برابری جنسیتی در ایران». مطالعات زنان و خانواده، ۱۵(۲)، ۸۹-۱۱۰.
- سلطانی‌نژاد، س. (۱۴۰۰). تحول نگرش‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر ایران. مطالعات فرهنگی ایران معاصر، ۱۰(۳)، ۱۳-۳۹.
- عبداللهی، م. (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی شکاف‌های نسلی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فاضلی، ر. (۱۳۹۰). سبک زندگی و تحولات فرهنگی در ایران معاصر. تهران: نشر تیسا.
- فاضلی، ناصر. (۱۳۹۰). سبک زندگی و مصرف فرهنگی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فکوهی، ن. (۱۳۹۳). انسان‌شناسی دینداری در ایران معاصر. تهران: آگاه.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۳). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نشر نی.
- گودرزی، ع. و همکاران (۱۳۹۲). تحلیل گفتمانی هویت نسل جوان در ایران. فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، ۱۴(۲)، ۴۵-۶۸.
- گودرزی، یحیی و همکاران. (۱۳۹۲). «هویت جوانان و نقش رسانه‌ها». مجله تحقیقات اجتماعی، ۷(۱)، ۹۳-۱۱۶.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۱). مدرنیته و هویت: خود و جامعه در عصر مدرن. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: طرح نو.
- محسنی تبریزی، م. و حاجیانی، ع. (۱۳۹۵). تغییرات هویت اجتماعی در نسل‌ها. مطالعات جوانان، ۷(۱)، ۷۵-۹۸.
- محسنی تبریزی، مصطفی، و حاجیانی، مریم. (۱۳۹۵). «تحول هویت نسلی در عصر جهانی‌شدن». مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۷(۲)، ۴۳-۶۷.
- میراحمدی، حسین، و صالحی، مهناز. (۱۳۹۶). «بررسی تغییرات دینداری در نسل‌های مختلف در ایران». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۲۳(۲)، ۷۵-۱۰۲.
- میراحمدی، س. و صالحی، م. (۱۳۹۶). تحولات دینداری در نسل‌های مختلف ایرانی. فصلنامه دین و جامعه، ۵(۲)، ۹۱-۱۱۴.
- میرفتاح، ع. (۱۳۹۷). تفاوت‌های نسلی و بحران فرهنگی. فصلنامه راهبرد فرهنگی، ۸(۲)، ۱۱-۳۲.
- Berger, P. (1999). The Desecularization of the World: Resurgent Religion and World Politics. Grand Rapids, MI: Eerdmans.
- Berger, P. (1999). The Desecularization of the World: Resurgent Religion and World Politics. Wm. B. Eerdmans.
- Bourdieu, P. (1984). Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Bourdieu, P. (1984). Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste. Harvard University Press.
- Castells, M. (2010). The Power of Identity. Wiley-Blackwell.
- Chaney, D. (1996). Lifestyles. Routledge.
- Giddens, A. (1991). Modernity and Self-Identity. Stanford University Press.
- Giddens, A. (1991). Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Hall, S. (1996). Questions of Cultural Identity. London: SAGE Publications.
- Hall, S. (1996). Questions of Cultural Identity. SAGE Publications.

- Inglehart, R. (1997). Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies. Princeton University Press.
- Inglehart, R., & Norris, P. (2003). Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide. Cambridge University Press.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence. New York: Cambridge University Press.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). Modernization, Cultural Change, and Democracy. Cambridge University Press.
- Roof, W. C. (1999). Spiritual Marketplace: Baby Boomers and the Remaking of American Religion. Princeton University Press.